



احمد غلامی

گویا دو تعبیر اساسی در سیاست داخلی ایران منسوخ شده است؛ یکی از این تعبیر هژمونی و دیگری کاریزماست. هژمونی به جریان‌های سیاسی بازمی‌گردد و کاریزما به چهره‌های سیاسی، برای اینکه این دو تعبیر را به خوبی و در دهیم، به پیش از انقلاب بازمی‌گردیم و مصداق‌های این تعبیر را برخواهیم شمرد. وقتی از حزب توده و نقش آن در جریان‌های سیاسی سخن می‌گوییم، ناگفته پیداست از حزبی می‌گوییم که تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جریانی سیاسی و هژمونیک بود که در سیاست داخلی زمانه خودش نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کرد. اگر این جریان سیاسی چهره‌های کاریزماتیک داشت، می‌توانست در مسیر سیاست ایران تغییری بنیانی ایجاد کند. می‌توان نتیجه گرفت که یک جریان سیاسی هژمونیک یا چهره کاریزماتیک قادر است جریان‌های سیاسی دیگر و طبقات اجتماعی را «مغلوب» کند. تعبیر مغلوب‌کردن در سیاست اهمیت ویژه‌ای دارد. دو جریان عمده سیاسی در تاریخ سیاسی بعد از اسلام در ایران، یعنی خلافت و پادشاهی، بر اساس همین «تغلب» شکل گرفته است. طرفداران خلافت، سنی‌ها، بر این باور بودند که هر آن‌کس با زور شمشیر پیروز شود، باید بر اطاعت او و گردن نهادن. اما در سیاست‌ورزی ایرانیان بعد از اسلام، سیاست‌نامه‌نویسان برای توجیه تغلب تعبیر «فره ایزدی» را به کار می‌بستند. آنچه در آن دوران بهایی نداشت، هژمونی و کاریزما به معنای رایج امروز آن بود و مسئولیت هر دو این تعبیر را شمشیر بر دوش می‌کشید. با آغاز سیاست‌ورزی مدرن در دوران رضاشاه نیز آنچه او را بر تخت سلطنت نشاند، باز همان تغلب بود. رضاشاه فره ایزدی نداشت؛ چراکه خاندان و تبار سلطنتی نداشت. به همین دلیل در آغاز سلطنت او چندان سخنی از فره ایزدی در میان نبود و رضاشاه آگاهانه می‌کوشید با نشان دادن چهره‌ای سربری و بدون شفقت به شخصیتی کاریزماتیک تبدیل شود. این تلاش برای القا بیش از همه در نظامیان و نخبگان دولتی حامی او مؤثر افتاد و دست بر قضا در جاهایی که مهم‌تر بود واکنشی منفی به باور آورد؛ در میان روحانیون و حامیان پندار آنان که در آن زمان بی‌شمار و گوش‌به‌فرمان بودند. بعد از رضاشاه، محمدرضاشاه نه زور شمشیر او را داشت و نه فره ایزدی و نه کاریزما. اعوجاج در سلطنت محمدرضاشاه را باید از این منظر واکاوی کرد. شاید خلا این ویژگی باعث شد که او بعد از کودتای ۲۸ مرداد فرصتی مطمئن به دست آورد تا بر این خلا درونی غلبه کند و با تکیه بر شمشیر دیگران، راه دیکتاتوری در پیش گیرد، اما تا پایان سلطنتش هم نتوانست جای خالی زور شمشیر، فره ایزدی و کاریزما را پر کند. مصدق اما از جنس دیگری بود؛ این چهره سیاسی تکین در تاریخ سیاست معاصر، نه کاریزما به معنای سیاسی آن داشت و نه جریان سیاسی هژمونیک را رهبری می‌کرد. در عصر مصدق، آیت‌الله کاشانی و حزب توده جریان‌های قدرتمندی در اجتماع ایران داشتند. مصدق نه کاریزما بود و نه جریان مؤثر و یکدستی را رهبری می‌کرد، زور شمشیر و فره ایزدی هم نداشت. مصدق چیزی شبیه معجزه در سیاست ایران بود. او هیچ چیز نبود مگر رؤیای مردم ایران، مردمی که تجلی رؤیای خود را در او می‌دیدند. مصدق انعکاس جذب مردم برای مردم بود. مردم مصدق را ارج می‌نهادند، چون خودشان را ارج می‌نهادند. سیاست واقعی، سیاستی بدون کاریزما، بدون تغلب و بدون زور شمشیر و فره ایزدی است. مصدق نماد سیاست واقعی و مردمی بود. برای همین، وقتی محمدرضاشاه او را شکست، مردم را شکست، و رؤیای مردم را کاپوس شد؛ کاپوسی که تا آخر عمر رهایش نکرد. از استاها در سیاست بگذریم و برگردیم به قاعده سیاست، یعنی هژمونی و کاریزما.

شبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳  
۲ ذی‌القعده ۱۴۴۵  
۱۱ می ۲۰۲۴  
سال بیست و یکم  
شماره ۴۸۳۰  
۵۰ هزار تومان  
۱۲ صفحه + ۵۲ صفحه ویژه‌نامه



روزنامه

رهبر انقلاب پس از حضور در مرحله دوم انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی:

هر چه مجلس قوی‌تر باشد، امکان کار در کشور بیشتر است

۳

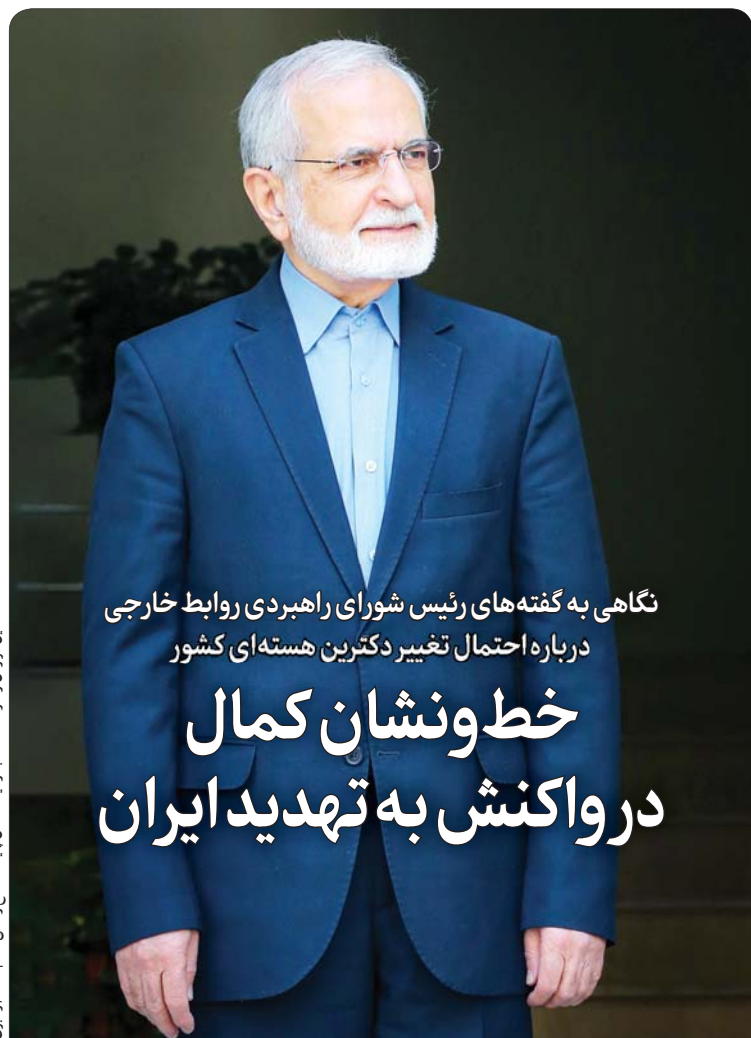


در «شرق» امروز می‌خوانید: گزارش «شرق» از پیچیدگی‌های یک حکم قصاص • شکست مذاکرات آتش‌بس و تنش میان اسرائیل و واشنگتن • رنج‌های پنهان جازموریان

گلیه‌های مراجع تقلید از مشکلات اقتصادی در دیدار با رئیس‌جمهور

# معیشت مردم در سختی بسیار

گزارش تیریک را در صفحه ۲ بخوانید



نگاهی به گفته‌های رئیس شورای راهبردی روابط خارجی درباره احتمال تغییر دکترین هسته‌ای کشور

## خطونشان کمال در واکنش به تهدید ایران



محسن هاشمی در جلسه رونمایی و بررسی کتاب خاطرات مرحوم هاشمی رفسنجانی (سال ۱۳۸۰) تشریح کرد

## مسیر ممیزی و تفاهم در انتشار خاطرات آیت‌الله

### یادداشت

## چه بود و چه شد!



مهرداد احمدی شیخانی

است. نمی‌گویم فاجعه، می‌گویم این به‌تنباهی نشان می‌دهد که چه تحویل گرفتیم و چه تحویل داده‌ایم. امروز گفت‌وگویی با دوستی داشتم که او گفت که سال‌ها پیش در یادداشتی نوشته بودم که بزرگ‌ترین ظلم به کشور توسط مدیران انجام شده است. اینکه تیراز روزنامه‌ها از یک میلیون نسخه در روز و نزدیک ۲۰ میلیون نسخه در مجموع روزنامه‌های منتشرشده در هر روز، به چهار یا پنج هزار نسخه برای یک روزنامه و به مجموعی کمتر از صد هزار نسخه برای مجموعه روزنامه‌ها در هر روز برسد، اینکه تیراز سه هزار نسخه‌ای کتاب در کشوری ۳۰ میلیونی که اکثر بی‌سواد بودند، به تیراز خوش‌بینانه ۳۰۰ نسخه‌ای برای جمعیت ۹۰ میلیونی و اکثر باسواد برسد و تازه مسئولان ادعای کار فرهنگی هم داشته باشند، به‌کاربردن عبارت فاجعه، خیلی عبارت خوش‌خیالانه‌ای است. اینجاست که حتی دیگر اگر یک سند جعلی هم از سوسو رسانه‌های بیرونی منتشر شود و خودشان هم بگویند که این سند فقط یک ماکت است، همین می‌شود که کسی جرئت نمی‌کند از جعلی بودن آن سند حرف بزند؛ چون به ضرب و زور مخاطبی را در این ۴۵ سال پرورش داده‌ایم که کتاب نخواند و خیال کرده‌ایم که این‌طور بهتر است، ولی حاصلش این شده که ذهنش برای تجزیه و تحلیل آنچه می‌شود پرورش نیافته، چراکه خیال می‌کردیم ما به جای او تحلیل می‌کنیم و تحویلش می‌دهیم و کار تمام می‌شود. ولی حالا حتی خودمان هم دیگر توان تحلیل نداریم، چراکه این‌طور نیست که زدن شاخه‌های آن نهال فقط نخواندن و ندانستن و عمیق‌نشدن را تنها برای مردم باعث شده باشد، که کارکار این ساختار هم، مثل همان مردم پرورش یافته و تبدیل به همان ناتوانان تحلیل و فهم مسائل شده، که همه چنین شده‌ایم و همگی ناتوان از تحلیل.

چهارشنبه گذشته، نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۳ آغاز به کار کرد. نوشتن چندمین دوره نمایشگاه، چراکه می‌خواهم بپرسم چند نفر می‌دانند که این چندمین دوره نمایشگاه کتاب تهران است. نه حتی بپرسم برای چند نفر واقعا مهم است که دوره سی‌ونهم نمایشگاه کتاب تهران آغاز به کار کرده است؟ نمایشگاهی که زمانی بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور بود، اما الان به‌راستی این رویداد چقدر بزرگ است؟ کاری به عناوینی که مسئولان و کارگزاران رسمی به کار می‌برند، ندارم. هر مخاطبی اگر در ذهن خود جست‌وجو کند، این اتفاق را چقدر بزرگ می‌بیند یا اصل آن را می‌بیند که حال به بزرگی و کوچکی اش فکر کند؟ در ذهنم که جست‌وجو می‌کنم، برای هم‌نسلان ما، این رویداد واقعا بزرگ بود، رویدادی که از ماه‌ها پیش انتظارش را می‌کشیدیم. مکانی بود که با شور و اشتیاق در آن حاضر می‌شدیم، چراکه فرصتی بود تا بتوانیم غیر از تهیه کتاب، در محل برگزاری، بزرگان فرهنگ کشور را ملاقات کنیم، با آنان هم‌کلام شویم، بپرسم و بشنوم. نمایشگاه کتاب فرصتی بود که بشود حاصل تلاش یک‌ساله کنشگران این عرصه را شاهد باشیم، عرصه‌ای که مؤثران اصلی فرهنگ این سرزمین در آن گرد می‌آمدند.

به خاطراتم رجوع می‌کنم، به دهه ۶۰، به همان دوره‌ای که اولین نطفه چنین رویدادی بسته شد، رویدادی که قرار بود معنای دانستن و فهمیدن را تعمیق کند، ولی در کنار آن، طفل دیگری هم متولد شد، طفلی که قرار بود بر سر نهال کتاب آن بیابود و آن کند که به شکستن شاخه‌ها تعبیر شود. طفلی که هر چقدر عمر نهال کتاب بیشتر می‌شد، او هم قد می‌کشید و شکستن شاخه‌ها برایش جوانان یک وظیفه درآمده بود و حالا بعد از ۳۵ سال، آنچه می‌بینیم چیست؟ آن طفل شاخه‌شکن چنان پاینده و چنان در این مدت شاخه شکسته که از آن نهال چه باقی

### برگزیده‌ها

## دور دوم انتخابات مجلس دوازدهم برگزار شد

گفت‌وگو با مینو محرز درباره چالش‌های نظام سلامت

## ۷۰ درصد تخت‌های ما فرسوده است



بررسی عواملی که پای دولت را به اگوسیستم استراتژی باز کرد

## تکرار تاریخ؟

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در گفت‌وگو با «فن‌ری»: محدودیت اینترنت دست ما نیست ویژه‌نامه فن‌ری را از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

### یادداشت

## میزبان اخلاق باشیم



وحیدمعدنژاد

اخلاق پایه و اساس بسیاری از رفتارهای فردی و اجتماعی است که هر فرد در زندگی خود براساس آن عنصری اجتماعی، اخلاق‌گرا و همچنین ضابطه‌مند قلمداد می‌شود. اخلاق در عمده کتاب‌های مذهبی، دینی و ملی از جمله «گات‌ها» منشأ یکانگی در عبودیت خداوندگاری است که بشر به «انسان» و «انسانیت» وصف شده است و از این طریق جامعه را روحانی و منزه جلوه‌گر می‌کند. امروزه اخلاق در همه حوزه‌ها اعم از خانواده، اجتماع و سیاست سرلوحه و سرمشق گفتار، کردار و منش هر فرد و شخصیتی علمی، سیاسی و به طور عام بدنه اجتماع است که نبود آن سبب رخداد بسیاری از ناهنجاری‌های «کل‌گرا» می‌شود. هیچ‌گونه تفاوت و مزربندی در رعایت اخلاق در بین ارکان اجتماع و سیاست در کنترل جامعه و نظام حاکم نیست تا از این طریق بتوان پوششی بر اعمال غیرانسانی، غیراجتماعی و غیرقانونی نهاد و از این منظر به اعمال شخصی یا حزبی و جناحی خود «دریوش یختگی» بر ملغمه‌های از آنچه بار نهاده، گذاشت و منتظر نذر آن، به جامعه‌ای شد تا از برکات آن، افراد جامعه بیدار امروزی را تغذیه کرد.

## شروع دوره از نیمه خرداد ماه

## مدرسه کاربردی هنر و علوم ارتباطات «روزنامه شرق»

## دومین دوره آموزشی خود را برگزار می‌کند



- مروری بر اندیشه‌ها و نظریات اقتصادی برای روزنامه نگاران و پژوهشگران اقتصادی | سعید لیلزاد
- اقتصاد رسانه | حجت میرزایی
- خلاقیت و نوشتن از خیابان (روایت‌هایی که در کف خیابان شکل می‌گیرند) | علی دهقان
- واکاوی موازین قانونی فعالیت‌های مطبوعاتی | مهدی صاحبی پسندیده
- کمی گفتگو درباره جامعه ترسناک بی گفتگو | شهاب الدین طباطبایی
- آموزش عکاسی پایه | مهرداد شیخانی
- تولید محتوای مولتی مدیا در رسانه و شبکه‌های اجتماعی | سینا رحیم پور
- رسانه و جنسیت | شهرزاد همتی
- گرافیک مطبوعات | حسین توکلی

برای ثبت نام و کسب اطلاع در مورد کلاس‌ها به شماره زیر در واتساپ پیام دهید ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴